



بررسی ترفندهای بدیعی در سفرنامه حکیم نزاری قهستانی

دکتر حیدرعلی دهمرده^۱

سامره شاهگلی^۲

چکیده

حکیم سعد الدین نزاری قهستانی، از گویندگان بزرگ نیمه دوم سده هفتم و آغاز قرن هشتم هجری است. نزاری مضامین شعری خود را، با تصاویر شاعرانه و صنایع بدیعی همراه کرده است و مهارتش را در کاربرد این صنایع نشان داده است. با توجه به این که زبان هنری وی در اشعار، و استفاده استادانه او از علوم بلاغت در شعر اعجاب انگیز می باشد، در این جستار، سعی بر آن است تا ترفندهای های بدیعی سفرنامه حکیم نزاری قهستانی را نشان دهد و از این جهت، عناصری چون انواع صنایع لفظی، شامل جناس ها، سجع ها، ردالصدر إلى العجز، ردالعجز إلى الصدر، توشیح و... و انواع صنایع معنوی، شامل تناسب، تضاد، ایهام، ایهام تناسب، استخدام، ارداد و تسهیم و... تحلیل و بررسی شده است. صنایع معنوی در سفرنامه بیشترین بسامد را داراست و از این نظر شعر نزاری از خلاقیت بسیاری برخوردار می باشد.

کلیدواژه: نزاری قهستانی، سفرنامه، بدیعی، صنایع لفظی و معنوی.

مقدمه

حکیم سعدالدین نزاری فوداجی بیرجندی قهستانی (۷۲۱-۶۴۵)، از گویندگان بزرگ نیمه دوم سده هفتم و آغاز قرن هشتم است. نزاری نام خاندان وی بوده است که سخنور نامبردار قهستان، آن را مانند نام هنری خویش به کار برده است (صفا، ج دوم، ۱۳۸۶: ۱۲۹). نزاری از نام نزار، فرزند مستنصر، خلیفه فاطمی اسماعیلی گرفته شده است. وی در جوانی به کارهای دیوانی روی آورد و سفرهایی چند داشت، سرانجام به قهستان باز آمد، ازدواج کرد و صاحب فرزندی شد. درگذشت او را به سال ۷۲۱ ه.ق نوشته اند (محقق و سلامت آذر، ۱۳۸۵: ۶۴).

نزاری به سخن ساده و بی پیرایه و خالی از تکلف گرایش دارد. کلیات دیوان نزاری قهستانی مشتمل بر قصیده، غزل، ترکیب بند، ترجیع بند، قطعه و مثنوی های «دستور نامه»، «ادب نامه»، «آزهر و مزهر»، «مناظره روز و شب» و مکاتبات منظوم است. سفرنامه حکیم نزاری، گزارش منظوم سفر این شاعر قهستانی به ایالات و شهرهای ماوراء قفقاز است. سفری که بیش از یک سال و نیم به درازا کشیده است و شاعر همراه با خواجه تاج

h.dahmarde79@yahoo.com

shahgoli69@gmail.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل



الدین عمید، مأمور عالی مقام حکومتی، از راه اصفهان و نطنز و تبریز به ایالات ارمنستان و گرجستان رفته و در پایان از همان راه به زادگاه خویش بازگشته است. نزاری در اول شوال سال ۶۷۸، همراه با تاج الدین عمید، به قصد رفتن به اردو، از شهر تون، عازم اصفهان می‌شود.

روش نزاری در نظم سفرنامه، هم باطن‌گرایی و هم راز و رمزگویی است، و این دو عامل سبب شده‌است که بسیاری از نکات، حتی آنهایی که جنبه عقیدتی ندارند را باز نگوید، یا به گونه‌ای قابل تفسیر و تأویل بیان کند، چنانکه از انگیزه این سفر و این که تنها به عنوان یک همراه و همنشین و هم سفر با تاج الدین عمید، این سفر دور و دراز را در پیش گرفته، یا مأموریتی آشکار یا پنهانی و عقیدتی داشته، هیچ سخنی نمی‌گوید و تنها درباره انتخاب راه اصفهان تصریح می‌کند که قصد او دیدار دوست و یار دیرینه اش، ایرانشاه بوده که او را به نوشتن سفرنامه تشویق کرده است.

بخش اعظم سفرنامه نزاری، اندرزهای اخلاقی و حکایات پندآموز عقیدتی است، ولی به طور مختصر به اوضاع جغرافیایی، سیاسی، حکومتی و اجتماعی مناطق مورد باز دید اشاراتی دارد. او سفرنامه را به امین الدین معادی تقدیم کرده و وی را عیسی ثانی نامیده‌است (زنگویی، ۱۳۸۸: ۹۹۶).

پیشینه تحقیق

تا کنون کتاب‌های زیادی در زمینه زندگی و آثار و سبک نزاری قهستانی نوشته شده‌است که از جمله این کتابها می‌توان به کتاب «تاریخ ادبیات ایران»، نوشته ذبیح .. صفا و کتاب «شاعران قهستان خراسان جنوبی از آغاز تا امروز»، تألیف حسین زنگویی اشاره کرد. همچنین مقالاتی چون: «جایگاه بدیع در دیوان حکیم نزاری قهستانی»، نوشته مهدی محقق و رحیم سلامت آذر و مقاله «تصاویر شاعرانه در غزلیات حکیم نزاری قهستانی»، توسط رحیم سلامت آذر، به نگارش در آمده‌است. اما تا کنون هیچ مقاله‌ای در باب «بررسی ظرافت‌های بدیعی در سفرنامه حکیم نزاری قهستانی»، نوشته نشده است.

بررسی صنایع لفظی در سفرنامه نزاری

نزاری در سفرنامه خویش، از اکثر آرایه‌های لفظی چون: انواع سجع‌ها و جناس‌ها، صنعت تضمین المزدوج، ردالصدر إلى العجز، ردالعجز إلى الصدر، طرد و عکس، توشیح، تضمین و... به زیبایی و با هنرمندی تمام بهره برده است و انواع صنایع لفظی به وفور در سفرنامه یافت می‌شود. در زیر به طور جداگانه به ذکر هر کدام پرداخته می‌شود.

۱- سجع متوازی



«سجع متوازی آن است که واژه‌های سجع در وزن و حرف آخر کاملاً همسان باشند» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۳۴).
سجع متوازی در سفرنامه نزاری قهستانی، این گونه آمده است:

ورنه نور عشق بودی در **بصر** کس نیارستی بحق کردی **نظر**

(نزاری، ۱۳۹۰: ۳۵)

بصر و نظر: هر دو در حرف روی و وزن مشترک هستند و سجع متوازی هستند.

۲- سجع مطرف

در این نوع سجع، کلمات آخر قرینه‌ها در حرف آخر (روی)، یکسان و حروف از جهت وزن و عدد، مختلف می‌باشند (زنجانی، ۱۳۸۱: ۲۰). این نوع سجع در سفرنامه به کرات آمده است.

در ره عشق آمده چالاک و **چست** با دلی صد پاره و عزمی **درست**

(نزاری، ۱۳۹۰: ۳۸)

سجع مطرف: چست و درست. در این دو واژه، حرف روی مشترک و وزن متفاوت است.

۳- سجع متوازن

«سجع متوازن آن است که کلمات قرینه در وزن متفق، و در حرف روی مختلف باشند» (همایی، ۱۳۸۶: ۴۳).
نمونه بارز و برجسته موارد استعمال سجع متوازن در سفرنامه حکیم، بدین صورت آورده شده است:

در سوم روز از پگه برخوردارستیم از پی کوچ **اسب** و **استر** خواستیم

(نزاری، ۱۳۹۰: ۴۵)

میان اسب و استر، آرایه سجع متوازن برقرار است. هر دو کلمه از نظر وزن یکی و در حرف آخر متفاوت هستند.

۴- آرایه موازنه

موازنه، هماهنگ کردن دو چیز یا چند جمله به وسیله تقابل اسجاع متوازن و یا مخلوطی از اسجاع متوازن و متوازی و مطرف است (شمیسا، ۱۳۸۷: ۶). نزاری قهستانی می‌گوید:

انس و **خو** با **دام** و **دد** باید گرفت **ترک نام** و **ننگ** خود باید گرفت

(نزاری، ۱۳۹۰: ۵۱)

میان کلمات انس و خو، دام و دد، نام و ننگ، سجع متوازن و آرایه موازنه وجود دارد.



۵- آرایه ترصیع

«هرگاه همه یا بیشترین واژه های یک قرینه (لخت عبارت)، در وزن و قافیه همانند واژه های قرینه دیگر باشد، صنعت ترصیع نامیده می شود و سجع آن را مرصع می گویند» (طیبیان، ۱۳۸۸: ۴۷۵).
نمونه های آرایه ترصیع در سفرنامه نزاری قهستانی آمده است:

بی نمازان قحبگان زشت خس کارشان کردن ز سرگین خشت و بس

(نزاری، ۱۳۹۰: ۶۲)

آرایه ترصیع در کلمات زشت و خشت، خس و بس وجود دارد که تقابل سجع های متوازی است.

۶- صنعت تضمین المزدوج (ازدواج)

«از دیگر آرایه هایی که از سجع برمی آید، ازدواج است. ازدواج آن است که دو واژه که با یکدیگر سجع همسان یا همسویی می سازند، در کنار و یا نزدیک به یکدیگر، در میانه سخن آورده شوند» (کزازی، ۱۳۸۱: ۴۷).
به عنوان نمونه در سفرنامه می خوانیم:

رأیت مخدوم اعظم بازگشت اختر عیش از در غم بازگشت

(نزاری، ۱۳۹۰: ۶۸)

مخدوم اعظم: کلمات مسجعی است که در کنار هم آمده و صنعت ازدواج را ایجاد کرده است.

۷- جناس تام

جناس تام، بهترین و زیباترین نوع جناس است و چنان است که الفاظ متجانس در حروف و حرکات یکی و فقط در معنی مختلف باشند (همایی، ۱۳۸۶: ۴۹). بسامد این آرایه در سفرنامه اندک می باشد. به عنوان نمونه:

هر که در غربت بود بی آشنا غرقه بیگانه باشد ز آشنا

(نزاری، ۱۳۹۰: ۶۸)

واژه آشنا در مصراع اول به معنی غریب نبودن و شناخت داشتن است و در مصراع دوم به معنی شناگر می باشد که از لحاظ شکل ظاهر مشترک و از لحاظ معنی با یکدیگر متفاوت هستند و جناس تام را می سازند.

۸- جناس زاید (ناقص افزایشی)



جناس زاید یعنی یکی از کلمات متجانس نسبت به دیگری واک یا واک هایی در آغاز یا وسط و یا آخر اضافه داشته باشد (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۳). جناس زاید به فراوانی در این کتاب ذکر شده است. به عنوان مثال:

تا نگردد باطن درویش **صاف** نشکند بر لشگر سلطان **مصاف**

(نزاری، ۱۳۹۰: ۱۱۵)

جناس زاید: صاف و مصاف.

۹- جناس مرکب

جناس مرکب یعنی دو کلمه متجانس، هم هجا (هم وزن) باشند، اما اختلاف در تکیه داشته باشند و به قول اهل زبان، یکی بسیط و یا در حکم بسیط و دیگری مرکب باشد. جناس مرکب در اشعار نزاری اینگونه آمده است:

بی نیازا بر نیاز ما به **بخش** گرچه غفلت کرده ایم اما **ببخش**

(نزاری، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

میان کلمات به بخش در مصراع نخست و ببخش در مصراع دوم، جناس مرکب است.

۱۰- جناس مطرف

جناس مطرف آن است که دو رکن جناس فقط در حرف آخر مختلف باشند (زنجانی، ۱۳۸۱: ۲۴). بسامد این نوع جناس در سفرنامه اندک می باشد و تنها یک مورد یافت شد:

ساقیا جامی دگر پرکن بیار تا بشادی در کشم بر **یاد یار**

(نزاری، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

۱۱- جناس مضارع و لاحق

جناس مضارع یعنی دو رکن جناس در حرف اول و یا وسط مختلف باشند. نزاری می گوید:

او ریاضت میکند با **زاهدان** من مروّق می کشم با **شاهدان**

(همان: ۴۲)

زاهدان و شاهدان، در حرف اول با هم متفاوت هستند و جناس مضارع می باشند.

۱۲- جناس خط



جناس خط آن است که ارکان جناس در کتابت یکی و در تلفظ و یا نقطه گذاری مختلف باشند
 (همایی، ۱۳۸۶: ۵۶).

گرچه کردم جهد تا **حالی** بود وز ریا این مختصر **خالی** بود

(نزاری، ۱۳۹۰: ۴۴)

جناس خط: حالی و خالی است.

۱۳- جناس لفظ (لفظی)

جناس لفظ یا لفظی یعنی، کلمات متجانس و هم جنس در تلفظ یکی و در کتابت مختلف باشند. نزاری قهستانی از این نوع جناس بدین صورت بهره برده است:

در سوم روز از پگه بر **خاستیم** از پی کوچ اسب و استر **خواستیم**

(همان: ۴۵)

میان واژه‌های خاستیم و خواستیم، جناس لفظ وجود دارد.

۱۴- جناس مکرر (مزدوج، مردد)

جناس مکرر یعنی جناسی که دو رکن آن در آخر سجع‌های نثر یا در آخر ابیات، پهلوی هم آورده شود. جناس مکرر در اشعار نزاری به زیبایی تمام آورده شده است.

آقه ما بعد از آن با نوکران رفت پیش صاحب صاحبقران

(همان: ۷۸)

واژه‌های صاحب و صاحبقران که در آخر بیت کنار هم آمده‌اند، جناس مکرر یا مزدوج محسوب می‌شوند.

۱۵- جناس محرف

«جناس محرف، این است که دو واژه تنها در هیئت (حرکات) حروف باهم اختلاف داشته باشند» (طیبیان، ۱۳۸۸: ۴۵۹). یکی از جناس‌هایی که در سفرنامه ذکر شده، جناس محرف می‌باشد، که شاعر حکیم با هنر و ذوق خویش از آن بهره برداری کرده است.

دُردِ بی بر **دُرد** دل میریختیم شوری از تلخی همی انگیختیم

(نزاری، ۱۳۹۰: ۶۵)

میان کلمات دُرد و دُرد، آرایه جناس محرف وجود دارد.



۱۶- جناس اشتقاق و جناس شبه اشتقاق

جناس اشتقاق این است که دو کلمه از یک ماده مشتق شده باشند و جناس شبه اشتقاق یعنی دو واژه از یک ماده مشتق نباشند (تجلیل، ۱۳۸۵: ۳۶).

گفت وقتی **واعظی** در کشوری از برای **وعظ** شد بر منبری

(نزاری، ۱۳۹۰: ۳۶)

واعظ و وعظ: جناس اشتقاق.

لوح دل پر کرد از **دستان** عشق تا سبق برد از **دبیرستان** عشق

(همان: ۳۴)

دستان و دبیرستان: جناس شبه اشتقاق.

۱۷- ردالصدر إلى العجز و ردالعجز إلى الصدر

ردالصدر إلى العجز آن است که کلمه‌ای که در اول بیت آمده است، در آخر بیت تکرار شود و ردالعجز إلى الصدر برعکس آن است. نمونه این دو صنعت در سفرنامه نزاری چنین به کار رفته است:

جان من سوزان در آتشدان تن جان رفت ای دریغا **جان من**

(همان: ۷۵)

نیست عاشق پای بند **نام و ننگ** نام و **ننگ** عاشقان شیشه ست و سنگ

(همان: ۵۰)

۱۸- صنعت توشیح

توشیح آرایه‌ای است که در اول یا اواسط ابیات حروف یا کلماتی مرتب بیاورند و چون آنها را با یکدیگر جمع کنیم، بیتی یا جمله‌ای که متضمن بیان مقصود باشد و کلمه و یا نام و لقب کسی باشد بیرون بیاید. به عنوان نمونه واژه صورت، در ابیات متوالی حکایتی از سفرنامه آمده است:

صورت ابلیس بر دیوارها دیده‌ای آورده در پرگارها

صورتش در جنب نقش روی او **صورت** یوسف بود پهلوی او...

(همان: ۸۳)

بررسی صنایع معنوی در سفرنامه نزاری



از اکثر صنایع معنوی چون: مراعات النظیر، حسن تعلیل، اغراق، ایهام، تضاد، استخدام، لف و نشر، ارداد و تسهیم، جمع، تفریق، تقسیم، تجاهل العارف، التفات، تنسیق الصفات، تجرید، تمثیل، استتباع، تلمیح و... در سفرنامه نزاری سخن به میان آمده است و شاعر حکیم از این آرایه ها به زیبایی بهره گرفته و این امر سبب شاعرانگی کلام وی گشته است.

۱- مراعات النظیر (تناسب، توافق، مؤخات)

مراعات النظیر، مؤثرترین آرایه ادبی است که شاعر با انتخاب واژگان مناسب، آن را می آفریند. این آرایه سبب فعال شدن دیگر آرایه های ادبی نیز می گردد» (حسینی و فتحی، ۱۳۸۹: ۶۷). نمونه برجسته و بارز از این صنعت، در سفرنامه نوایی اینگونه آمده است:

شهری از بس لاله و گل چون بهار مرغزاری چون بهشتش برکنار

(نزاری، ۱۳۹۰: ۵۷)

میان کلمات لاله، گل، بهار و مرغزار، آرایه مراعات النظیر یا تناسب وجود دارد.

۲- حسن تعلیل

حسن تعلیل یعنی اینکه برای صفتی یا مطلبی که در سخن آورده اند، علتی ذکر کنند که با آن مطلب مناسبت داشته باشد.

گر نبودی پس رو خورشید ماه کی ضیا گستر بدی روی سیاه

(همان: ۱۰۵)

شاعر می گوید: تابش نور خورشید به جهت این است که پشت خورشید، ماه روشن قرار دارد.

۳- اغراق (مبالغه)

اغراق اینست که شاعر در بیان سخن خویش از واقعیت فراتر می رود و این کار نه تنها عجیب نیست، بلکه خود از آرایه های ادبی به شمار می رود (صادقیان، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

صنعت اغراق به کرات در سفرنامه آورده شده که به عنوان نمونه به ذکر یک مورد اکتفا می شود:

اصفهان همچون بهشتی تازه بود بلکه صد ره خوشتر از آوازه بود
زنده رودش خوشتر از جوی بهشت بر هر اطرافش درختستان و کشت

(نزاری، ۱۳۹۰: ۴۱)



۴-ایهام

«به کار رفتن لفظی است در سخن، دارای دو معنی قریب و غریب، که ابتدا ذهن مخاطب به معنی قریب کشیده می‌شود، حال آنکه مراد معنی غریب می‌باشد» (مجتبی، ۱۳۸۰: ۵۷).

وین صنم را با هزاران **خواسته** صد بزرگ از پیش و پس برخواسته

(نزاری، ۱۳۹۰: ۸۸)

لفظ خواسته دارای دو معنی است. ۱- آرزو ۲- ثروت و پول. که مراد معنی دوم است.

۵-ایهام تناسب

از ایهام تناسب به وفور در سفرنامه ذکر شده است.

تو بتلخی میگذاری در عذاب فارغ از شور تو **شیرین** در شراب

(همان: ۵۲)

شیرین هم به معنی مزه شیرین و هم نام معشوق فرهاد را به ذهن متبادر می‌کند که معنی دوم با کلام نوعی رابطه و تناسب دارد.

۶-تضاد

محرم راز **نهان** و آشکار همدم و همصحبت **لیل** و **نهار**

(همان: ۴۲)

۷-استخدام

استخدام، اسم یا فعلی است که دو معنی داشته باشد و درهریک از این دو معنی، با اسم یا فعل دیگری از کلام ترکیب شود. به عنوان مثال در سفرنامه نزاری می‌خوانیم:

شد ز بیخوابی وجودم همچو نال چند خواهی **پختن** ای خام ابن خیال

(همان: ۹۶)

فعل پختن دارای دو معنی است. ۱- پختن غذایی ۲- تصور بیهوده کردن، که معنی دوم فعل با جمله ترکیب

می‌شود.

۸-ارصاد و تسهیم



ارصاد و تسهیم یعنی تناسب بین معانی و الفاظ، آنقدر واضح باشد که قسمت پایانی بیت، مخصوصاً قافیه با توجه به قافیه های قبل، قابل پیش بینی باشد.

مرد غازی میخورم بر یاد دوست سر ببالین مینهم بر یاد دوست

(همان: ۱۹۶)

۹- لف و نشر

«اول چند چیز مذکور شود. بعد از آن حالات آن چیزها مذکور شود، سپس اگر آن احوال به ترتیب آن چیزها مذکور باشد، یعنی اول از چیزها که در نثر مذکور است، از برای اول از چیزها باشد که در لف مذکور شده و ثانی از برای ثانی و همچنین تا آخر...» (فندرسکی، ۱۳۸۱: ۹۱).

گفت دنیا را که می بینی بهای از سه چیزست اول از فضل خدای
دیگر از عدل شه فریادرس وان دگر از همّت درویش و بس

(نزاری، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

۱۰- صنعت جمع و تفریق و تقسیم

هر دو بعد از ترک چنگ و نای و نوش بوده از یک پیر باهم خرّقه پوش

(همان: ۴۲)

این بیت نمونه‌ای از آرایه جمع می‌باشد. شاعر در بیتی دیگر صنعت تفریق را آورده است:
نی خدا را هیچ طاعت کرده‌ام نی به پیغمبر شفاعت کرده‌ام

(همان: ۱۳۴)

همچنین بیت

او هنوز انصاف را پرهیزگار من شکسته توبه همچون زلف یار

(همان: ۴۲)

نمونه‌ای آشکار از صنعت تقسیم در سفرنامه است.

۱۱- تجاهل العارف

تجاهل العارف این است که گوینده از مضمون مطلب آگاه است اما از مخاطب می‌پرسد تا مطلب مورد نظر به شنونده تفهیم شود. حکیم نزاری به زیبایی و هنرمندی تمام از صنعت تجاهل العارف بهره برده است، به طوری که توانایی وی در شعر بر مخاطب معلوم می‌شود.



همچو مرغی کز قفس گردد خلاص یا چو خونی کش ببخشند از قصاص

(همان: ۷۸)

۱۲- تنسیق الصفات

آرایه تنسیق الصفات یعنی برای یک اسم، صفات متوالی بیاورند، یا برای یک فعل قیود مختلف ذکر کنند. نمونه بارز از صنعت تنسیق الصفات:

داستانی از ریاست بی‌نیاز پاک دین و پاک رأی و پاک باز

(همان: ۳۳)

۱۳- التفات

«التفات دارای دو قسم است. قسم اول آنکه: در سخن از غیبت به خطاب یا برعکس از خطاب به غیبت منتقل شود... و قسم دوم آنکه سخن را تمام کنند، آنگاه جمله یا مصرع و بیتی بیاورند که خود مستقل باشد» (همایی، ۱۳۸۶: ۲۹۳). در سفرنامه نمونه التفات بیشتر از نوع قسم اول می‌باشد. صنعت التفات از غیبت به خطاب:

خوش بخت ای خانه بخت خراب خود مرا دیگر نبینی جز بخواب

(نزاری، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

صنعت التفات از خطاب به غیبت:

در جهان آخر تو باری کیستی ای ز خر کمتر تو باری چیستی

(همان: ۱۱۴)

۱۴- تجرید

تجرید در شعر این است که شاعر خویش را مخاطب قرار دهد و نام خود را بیاورد. نمونه‌ای از آرایه تجرید در سفرنامه:

صاحب دیوان عالم شمس دین شاه را دستور اعظم شمس دین

(همان: ۶۲)

۱۵- تمثیل (ارسال المثل)

«ارسال المثل این است که شاعر مثل معروفی را در شعر خود بیاورد و یا بیت و مصرعی بگوید که حکم مثل سائر را پیدا کند» (پیشگر، ۱۳۸۱: ۷۶).

نیک و بد در هم زدیم بسیاری هست در پهلوی گل هم خارکی

(نزاری، ۱۳۹۰: ۴۵)



۱۶- سؤال و جواب

گفتگوی شاعر یا نویسنده است با مخاطب هنری و یا واقعی خویش که معمولاً در مصرع یا بیت اول، سؤال به میان می‌آید و در مصرع یا بیت دوم جواب آن داده می‌شود. این صنعت از آنجا که زمینه‌های ذهنی مخاطب را برمی‌انگیزد و گونه‌ای گفتگو ایجاد می‌کند و مخاطب را در جواب و لذت هنری سهیم می‌سازد (محبتی، ۱۳۸۰: ۸۶). نمونه آشکار صنعت سؤال و جواب در بیت زیر آمده است:

نو مریدی کردی از پیری سوال	کای مقدم در طریقت گوی حال
اندرین منزل مراد مرد چیست	در ره مقصد مراد مرد کیست
گفت پیرش ای پسر در انفراد	نا مرادیهاست مقصود از مراد

(نزاری، ۱۳۹۰: ۶۴)

۱۷- ابداع

ابداع یعنی در یک عبارت نظم یا نثر، چند صنعت بدیعی را با یکدیگر جمع کرده باشند.

مست بودم بیشتر اوقات مست	مست را ترتیب برناید ز دست
--------------------------	---------------------------

(همان: ۴۴)

در این بیت آرایه‌های تکرار و تأکید، جناس مضارع، واج آرایی و ردالعجز علی‌الی الصدر آمده و صنعت ابداع را بوجود آورده است.

۱۸- استتباع

استتباع در اصطلاح بدیع آن است که مدحی یا ذمی متضمن مدح و یا ذم دیگری باشد (فشارکی، ۱۳۷۹: ۱۴۰).

محرم راز نهان و آشکار	همدم و همصحبت لیل و نهار
-----------------------	--------------------------

(نزاری، ۱۳۹۰: ۴۲)

۱۹- استفهام انکاری

استفهام انکاری در این کتاب، بدین صورت آمده است:

ورنه زور از عشق شیرین یافتی	کوه را فرهاد چون بشکافتی
-----------------------------	--------------------------

(همان: ۳۵)

۲۰- تکرار (تأکید)



«تکرار یکی از شگردهای زیبایی آفرین در کلام است. تکرار موسیقی، شعر را به وجود می‌آورد و یکی از ارکان بنیادی در شعریت شعر است. در تکرار میان لفظ و معنا، نوعی رابطه طبیعی وجود دارد» (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۱۹). صنعت تکرار و تأکید در سفرنامه قهستانی اینگونه آمده است:

کم به‌تر از سنان نبود سنان و سه نان بهتر توان دید از سنان

(نزاری، ۱۳۹۰: ۸۲)

۲۱- حل (تحلیل)

«در اصطلاح علم بدیع، صنعت حل یعنی گرفتن الفاظ آرایه‌ای از قرآن مجید، یا حدیثی از احادیث و یا شعری از اشعار و یا مثلی از امثال در گفتار و نوشتار، با خارج ساختن آن از وزن یا صورت اصلی‌اش، به طور کامل یا ناقص» (حلبی، ۱۳۸۸: ۶۳). نمونه صنعت حل یا تحلیل در سفرنامه، آوردن سوره اخلاص می‌باشد:

قل نزاری قل هو الله احد ابتدا کن ذکر الله الصمد
لم یلد بی مثل و لم یولد که هست قدرتش دارنده بالا و پست
لم یکن باکا له کفوا احد کافرید از خاک انسان را جسد

(نزاری، ۱۳۹۰: ۳۱)

۲۲- تلمیح

تلمیح در فن بدیع، عبارت از این است که نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیه‌ای، حدیثی (یا قصه‌ای یا مثلی یا شعری) مشهور و معروف اشاره کند. (حلبی، ۱۳۸۸: ۵۵). نزاری در سراسر سفرنامه خویش از صنعت تلمیح استفاده کرده است و فراوانی این آرایه، سبب زیبایی و شاعرانگی متن گشته است. نزاری قهستانی می‌گوید:

سربنه بر سنگ غم فرهادوار یا سرخود گیر و رو آزادوار

(نزاری، ۱۳۹۰: ۵۱)

۱- جدول بسامد انواع صنایع لفظی بدیع در سفرنامه نزاری قهستانی

نوع	انواع سجع	انواع جناس	ردالصدرالی العجز	ردالعجزالی الصدر	توشیح
تعداد	۲۰۴	۲۱۸	۲۹	۱۲	۱۱
در صد	۴۳/۰۳	۴۵/۹۹	۶/۱۱	۲/۵۳	۲/۳۲
جمع	٪۱۰۰				



۲- جدول بسامد انواع صنایع معنوی بدیع در سفرنامه نزاری قهستانی

نوع	تناسب	حسن	اغراق	ایهام	ایهام	تضاد	استخدا	ارصاد	لف	جمع	تفریق	تقسیم
	ب	تعلیل		تناسب			م	و	و			
								تسهیم	نشر			
تعداد	۷۵	۲۱	۱۸	۵۱	۵۹	۱۴۷	۳۶	۲۹	۸	۱۲	۸	۱۵
درصد	۹/۳۰	۲/۶۰	۲/۲۳	۶/۳۲	۷/۳۲	۱۸/۲۳	۴/۴۶	۳/۵۹	۰/۹۹	۱/۴۸	۰/۹۹	۱/۸۶
نوع	التفات	تنسيق	تجرید	تمثيل	ابداع	استتباع	تکرار	سوال	تلمی	تجاهل	حل	استفهام
		الصفات	د					و	ح	العارف		
								جواب				
تعداد	۱۶	۳۱	۱۵	۲۱	۴۶	۲۷	۳۹	۱۴	۸۳	۲۱	۱	۱۳
درصد	۱/۹۸	۳/۸۴	۱/۸۶	۲/۶۰	۵/۷	۳/۳۴	۴/۸۳	۱/۷۳	۱/۲۹	۲/۶۰	۰/۱۲	۱/۶۱
جمع	٪۱۰۰								۱۰			

نتیجه گیری

با بررسی در سفرنامه حکیم نزاری قهستانی و نیز ارائه جداول بسامد، مشخص می‌شود که شاعر از اکثر آرایه‌های لفظی و معنوی بدیع، بهره جسته است و در کاربرد ترفندهای ادبی خوش ذوق بوده است. جدول بسامد صنایع معنوی سفرنامه، نشان می‌دهد که در این کتاب به ترتیب آرایه‌های تضاد، تلمیح، تناسب، ایهام، ایهام تناسب، ابداع، استتباع و تنسيق الصفات بالاترین بسامد را داراست، و همچنین میزان استفاده شاعر از صنایع معنوی، بیشتر از صنایع لفظی بوده است و می‌توان گفت که صنایع لفظی به ترتیب از، انواع سجع و جناس، ردالصدر إلى العجز، ردالعجز إلى الصدر، بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده اند. در مجموع کاربرد انواع صنایع بدیعی در سفرنامه حکیم نزاری قهستانی، سبب شاعرانگی و تصویر سازی و خیال انگیزی کلام وی گشته است.



منابع

- ۱- پیشگر، احد، (۱۳۸۱)، **بدیع بر بنیاد آثار سعدی**، اردبیل: انتشارات نیک آموز، چاپ اول.
- ۲- تجلیل، جلیل، (۱۳۸۵)، **جناس در پهنه ادب فارسی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ سوم.
- ۳- حسینی، مجتبی؛ فتحی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، «**مراعات النظیر زیور آرایه‌ها**»، فصلنامه تحقیقات زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد بوشهر، دوره جدید/سال سوم، صص ۶۷-۸۱.
- ۴- حلبی، علی اصغر، (۱۳۸۸)، **تأثیرقرآن و حدیث در ادبیات فارسی**، تهران: اساطیر، چاپ ششم.
- ۵- رنجبر، احمد، (۱۳۸۵)، **بدیع**، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- ۶- زنگویی، حسین، (۱۳۸۸)، **شاعران قهستان جنوبی**، تهران: نشر روزگار، چاپ دوم.
- ۷- زنجانی، علی، (۱۳۸۱)، **فنون و صنایع بدیعی**، تهران: چاپ توکل، چاپ اول.
- ۸- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، **نگاهی تازه به بدیع**، تهران: فردوس، چاپ دهم.
- ۹- صادقیان، محمد علی، (۱۳۸۸)، **زیور سخن در بدیع فارسی**، یزد: دانشگاه یزد، چاپ دوم.
- ۱۰- صفا، ذبیح ا...، (۱۳۸۶)، **تاریخ ادبیات ایران**، تهران: فردوس، چاپ هجدهم.
- ۱۱- طبیبیان، حمید، (۱۳۸۸)، **برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی**، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- ۱۲- فشارکی، محمد، (۱۳۷۹)، **نقد بدیع**، تهران: سمت، چاپ اول.
- ۱۳- فندرسکی، ابوطالب، (۱۳۸۱)، **رساله بیان بدیع**، مقدمه و تصحیح مریم روضاتیان، تهران: روزگار، چاپ اول.
- ۱۴- کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۸۱)، **زیباشناسی سخن پارسی بدیع**، تهران: مرکز، چاپ چهارم.
- ۱۵- محقق، مهدی؛ رحیم، سلامت آذر، (۱۳۸۵)، «**جایگاه بدیع در دیوان حکیم نزاری**»، فصلنامه اندیشه های ادبی، دوره سوم/سال سوم، صص ۸۶-۶۳.
- ۱۶- محبتی، مهدی، (۱۳۸۰)، **بدیع نو**، تهران: سخن چاپ اول.
- ۱۷- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۷۹)، **بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی**، ویراستار رضا انزایی نژاد، تهران: دوستان، چاپ اول.
- ۱۸- نزاری قهستانی، سعدالدین بن شمس الدین، (۱۳۹۰)، **سفرنامه**، به کوشش محمود رفیعی، تهران: هیرمند، چاپ سوم.
- ۱۹- همایی، جلال الدین، (۱۳۸۶)، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ بیست و هفتم.